

بررسی جایگاه علم و عالم در نهج البلاغه

سعیده جناب زاده^۱

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب

چکیده

علم از مسائلی است که بشر به اقتضای حکمت خداوندی و بر حسب فطرت حقیقت جو و کمال طلب خویش همواره به آن توجه داشته است. دین هدایتگر حیات مادی و معنوی انسان است که به آدمی عزت و شرافت می‌بخشد و زیباترین جلوه‌ی رحمانیت حق برای هدایت نوع بشر می‌باشد. در این میان، عالمان دین که متولیان اصلی امور دینی در جوامع هستند، نقش بسیار مؤثری در تعالی دین و هدایت افراد جامعه دارند، چرا که آنان مروجان فرهنگ دینی هستند و افراد جامعه آنان را به عنوان الگوی عملی خود در رفتار فردی و اجتماعی قرار می‌دهند. از این رو، در این تحقیق تلاش شده است با مطالعه‌ی کتاب شریف نهج البلاغه، به این سؤال محوری پاسخ داده شود که: علم و عالم در سخنان امام علی (علیه السلام) از چه جایگاهی برخوردار است؟ براساس یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی انجام گرفته است، بحث علم و عالم در نهج البلاغه از جایگاهی ارزشی برخوردار می‌باشد و گزاره‌ها و مفاهیم نهج البلاغه به روشنی جایگاه علم و عالم در نهج البلاغه را تصریح می‌کند.

واژگان کلیدی: علم، عالم، نهج البلاغه

^۱ نویسنده مسئول: yas2621370@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۸

مقدمه

در طول تاریخ زندگی بشریت آنچه راهگشای زندگی آنان بوده و همچون مشعلی تاریکی زندگی شان را روشنی بخشیده، وجود علم و دانش می باشد و عالمان و دانشمندان نیز همواره پشتیبان بشریت و مایه ارجمندی تاریخ انسان هستند و توده های انسانی بی آن که پیوسته آگاه باشند، از آثار وجود عالمان و دانشمندان همواره برخوردار بوده و برخوردارند و در پیمودن راه زندگی همیشه از آنان بهره می گیرند چنان که مردمان از خورشید پشت ابر بهره می برند.

از این رو از جمله مسائل مهم و قابل اهمیت، تبیین جایگاه علم و عالمان بر حسب سخنان امام علی(ع) است چرا که پرداختن به این مسئله دیدگاه افراد را نسبت به ضرورت وجود عالمان و نقش آنان در هدایت بشر روشن می سازد. از این رو با در نظر داشتن تأکیدات فراوان بر گزاره‌ی علم و اهمیت بررسی جایگاه عالمان در مکتب اسلام، این مسأله مطرح می‌شود که عالمان در نزد امام علی(ع) از چه جایگاهی برخوردارند، بنابراین این تحقیق بر آن است با مطالعه‌ی سخنان امام علی(ع) جایگاه علم و عالم را مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

در راستای پاسخگویی به این مسأله، تحقیق حاضر در نظر دارد مسأله‌ی مورد نظر را مورد بررسی قرار دهد؛ مهم‌ترین محورهای مورد نظر جهت بررسی این مسأله عبارتند از: تعریف علم و عالم، اهمیت علم از دیدگاه امام علی(ع)، اقسام علم، بهترین علم و دانش از منظر امام علی(ع)، تعریف عالم در نهج البلاغه و بیان جایگاه عالمان در نهج البلاغه.

بر اساس بررسی های به عمل آمده پیرامون این مسأله در پایگاه‌های علمی کشور، می‌توان اذعان داشت منابعی که اجمالاً به موضوع مورد بحث پرداخته است؛ عبارتند از: کتاب «وظیفه علمای دینی ما» (محسنی، ۱۳۸۱) که نویسنده در این کتاب به برخی از ویژگی های اخلاقی و اجتماعی عالمان اشاره کرده است و معتقد است که کسی که در نقش عالم است در مرحله اول خود باید از برخی صفات از جمله خلق نیکو، انصاف و عدل، احسان و احترام به دیگران و ... برخوردار باشد.

کتاب «جایگاه علما در غیب کبری» (زاهری، ۱۳۸۰) در این مجموعه از منظر آیات قرآن، احادیث و روایات ذیل ۳۴مبحث، مطالبی درباره جایگاه و منزلت عالمان، احترام به عالمان و خصوصیات و ویژگی‌های آنان ... در دوره غیبت کبری، ذکر گردیده است. «نقش علم و عمل عالمان»، «عاقبت فتوای جاهلان»، «عالمان چراغ اهل زمین»، «تواضع در محضر عالمان»، «غربت علما» و «جایگاه اندیشمندان الهی» از جمله موضوعات این کتاب است.

پایان نامه مقطع ارشد «وظایف عالمان در مقابل حکومت در نهج البلاغه» (غلامرضایی؛ ۱۳۹۶) که به مباحثی از جمله نهاد حکومت در نهج البلاغه، جایگاه عالمان و ویژگی های عالمان مطلوب در نهج البلاغه و وظایف عالمان در مقابل حکومت در نهج البلاغه پرداخته است.

پایان نامه «نقش علما در خرافه زدایی از جامعه» (شکری، ۱۳۹۵) این پژوهش در چهار بخش سازمان یافته است که در بخش اول کلیات پژوهش بیان شده است، در بخش دوم مفهوم شناسی خرافه و انواع، علل و پیامد آن، در بخش سوم معرفی دیدگاه قرآن و سیره ائمه اطهار به عنوان دو الگوی کامل نسبت به خرافه و روش مبارزه و در بخش چهارم به طور خاص وظیفه علما، سابقه فعالیت ایشان، تبیین شده است. از جمله نتایج حاصله این پژوهش آن است که از جمله ریشه های مهم خرافه گرای جهل، تقلید کورکورانه، انحراف از فطرت و رواج ساده اندیشی و از جمله عوامل بازدارنده خرافه پرستی در حیطه وظایف علما تکیه بر قرآن و سنت، تقویت دانش و تفکر، احیاء امر به معروف و نهی از منکر است.

مقاله «ویژگی های عالم از نگاه امام علی(ع)»، (بهرامیان و همکاران؛ ۱۳۹۹) در این مقاله نویسندگان، ویژگی‌های عالم را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تقوا با ابعاد گوناگون آن مانند صداقت در گفتار و دوری از حسد؛ بصیرت، حلم، ظلم‌ستیزی و دغدغه‌مندی، عمل‌گرایی و وحدت امت از جمله ویژگی‌های عالم از نگاه امام علی(ع) است.

مقاله «علم و علما در نهج البلاغه»، (ادریسی، ۱۳۷۹)، این مقاله به صورت پراکنده و نامنسجم علم را از منظر فلاسفه و عرفا تا عصر حاضر بررسی کرده است. بنابراین در این مقاله هدف بر آن است که به طور مستقل به جایگاه علم و عالم در نهج البلاغه پرداخته شود.

مفهوم شناسی:

«علم» بنابر نظر اهل لغت، برگرفته از سه حرف اصلی «ع، ل، م»،^۲ نقیض «جهل»^۳ و به معنای «ادراک حقیقت شیء» می باشد؛ همچنانکه راغب اصفهانی در مورد معنای این ماده آورده است: «الْعِلْمُ: إدراک الشیء بحقیقته، و ذلک ضربان: أحدهما: إدراک ذات الشیء. و الثانی: الحکم علی الشیء بوجود شیء هو موجود له، أو نفی شیء هو منفی عنه»؛^۴ «عِلْم ادراک حقیقت چیزی است و بر دو گونه است: ۱- ادراک ذات شیء ۲- حکم کردن بر وجود چیزی با وجود چیز دیگر که برایش ثابت و موجود است یا نفی چیزی که از او دور و منفی است».

مفهوم درک حقیقت شیء، از تعاریف اصطلاحی ارائه شده برای علم نیز قابل برداشت است؛ همچنانکه ابوعلی سینا در تعریف علم آورده است: «هو أن تكون حقیقته متمثلة عند المدرک یشاهدها ما به یدرک»؛^۵ «عبارت است از آن که مثال حقیقت آن نزد دریافت کننده باشد و دریابنده آن را مشاهده کند». بنابراین، به لحاظ مفهومی، علم در مقابل جهل قرار داد و شامل گزاره‌هایی است که مبتنی بر حقیقت و درک امور ثابت می باشد. واژه‌ی «عالم» اسم فاعل از ریشه‌ی «علم» به معنای: دانا، دانشمند، دانشور، علیم، فرهیخته و کسی که حقیقتی را درک کرده، آمده است.^۶

در تعاریف دیگری نیز وارد شده که: عالم که جمع آن عالمان می باشد و مقصود از عالمان کسانی هستند که به عظمت و جلال و عزت خداوند و قهرش و لطف وجود و کرمش علم یقینی و قطعی که باعث عمل می شود، دارند و با این آگاهی وضعیت و حالات و هول و وحشت آن عالم را ببیند.^۷

یا در جایی دیگر آمده است: منظور از عالمان آنانی هستند که در رشته علوم دینی و معارف الهی بصیر و دانا باشند و البته از نظر پروردگار، عالم آن کسی است که نسبت به حقایق امور و معارف الهی و لطائف و اسرار سیر و سلوک به سوی حق و کمال، دانا و آگاه باشد.^۸

اهمیت علم از دیدگاه امام علی(ع):

قرآن کریم در آیات بی شماری، انسان را به تفکر و تعقل دعوت می کند. در نخستین آیه‌ای که خداوند متعال بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خود نازل نمود، وی را به «خواندن» فرا می خواند و در ادامه نیز خداوند خود را «معلم» انسان‌ها معرفی می کند (علق / ۵-۱)؛ بنابراین، جای هیچ گونه شک و تردیدی باقی نیست که قرآن کریم به تفکر و تعقل به عنوان مقدمه و کلید علم آموزی توجه بسیار نموده و بر جایگاه و اهمیت دانش و علم آموزی تأکید کرده است.^۹

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۰۹، ذیل ماده‌ی «علم».

۳. فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۵۲، ذیل ماده‌ی «علم».

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۲، ص ۶۳۴، ذیل ماده‌ی «علم».

۵. ابوعلی ابن سینا، شرح الإشارات والتنبيهات، ج ۲، ص ۳۰۸.

۶. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۸۰، ذیل ماده‌ی «علم»؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۲۵، ذیل ماده‌ی «علم»؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۱۶، ذیل ماده‌ی «علم».

۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۶۷.

۸. جعفر بن محمد(ع)، مصباح الشریعہ، ص ۲۲۷.

۹. رضایی اصفهانی، قرآن و علم، جلد: ۱۸، صفحه: ۷۱.

امام علی(ع) نیز که مفسر و عامل به قرآن است در ضمن سخنان خویش به بیان اهمیت علم می پردازند که از این باب می توان به سخن آن حضرت خطاب به کمیل بن زیاد اشاره نمود که می فرمایند:

« يَا كَمِيلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْعِلْمُ يَزُكُّو عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ يَا كَمِيلُ مَحَبَّةُ الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ تُكْسِبُهُ الطَّاعَةَ فِي الْحَيَاةِ وَ جَمِيلَ الْأَخْدُوْتِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ مَنَفَعَةُ الْمَالِ تَزُولُ بِزَوَالِهِ وَ الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَ الْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ؛ ای کمیل، دانش بهتر از ثروت است، دانش نگهدار تو و تو پاسدار ثروتی، مال و ثروت با بخشش کم می شود اما دانش در اثر بخشش فرونی می یابد، پرورده ثروت با از بین رفتن مال و ثروت از بین می رود.

ای کمیل، آشنایی با دانش، خود، دیانت است، بدان وسیله پاداش داده می شود و بدان وسیله اطاعت خدا در زندگی این دنیا و خوشنامی پس از مرگ نصیب انسان می گردد، دانش فرمانروا و ثروت فرمانبر و مغلوب است.»^{۱۰}

علاوه بر آن در جایی دیگر می فرمایند: « اذا ارذل الله عبدا حضر عليه العلم؛ هر گاه خداوند بنده ای را خوار و پست کند علم و دانش را از او باز دارد.»^{۱۱}

اقسام علم:

در روایات اسلامی تقسیمات متفاوتی برای علم ارائه شده است اما در سخن امام علی(ع) اقسام علم بدین شرح است:

امام علی(ع) می فرمایند:

« الْعِلْمُ عِلْمَانِ مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ وَ لَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ؛ علم دو گونه است: علم فطری و اکتسابی، و علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نخواهد بود.»^{۱۲}

در شرح این حدیث آمده است: مقصود امام (علیه السلام) از علم مطبوع، عقل بالملکه است، یعنی استعداد به وسیله علوم بدیهی و ضروری برای رسیدن به علوم اکتسابی، و مقصود از علم مسموع، همان شنیده های از دانشمندان است، زیرا کسی که چنین استعدادی را ندارد، سودی از شنیده های خود از علوم نمی برد و از دستاورد خود بهره مند نمی شود. بعضی گفته اند مقصود از علم مطبوع آن اصولی است - مانند توحید و عدالت خدا - که انسان به طبیعت عقل و فطرت می داند، و علم مسموع، علوم شرعی است که نسبت به اصول عقلی و فطری، به منزله فرع است، زیرا فرع بدون اصل سودی ندارد.^{۱۳}

و در سخنی دیگر از آن حضرت آمده است:

«علوم چهار قسم است: علم فقه برای ادیان و علم پزشکی برای بدن‌ها، و علم نحو (دستور زبان) برای زبان، و علم کیهان‌شناسی برای زمان‌شناسی.»^{۱۴}

بهترین علم و دانش از منظر حضرت(ع):

علم و دانش آن‌قدر در دین ما اهمیّت دارد که سرآمد و غایت تمام فضائل شمرده شده است.

امام علی(ع) می فرمایند: «خیر العلم ما اصلحت به رشادک و شره ما افسدت به معادک؛ بهترین دانش آن است که هدایت و رستگاری خود را با آن اصلاح کنی و بدترین دانش آن است که آخرت خویش را با آن تباه گردانی.»^{۱۵}

^{۱۰} نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، ص ۴۵۹.

^{۱۱} نهج البلاغه، حکمت ۲۸۸، ص ۴۹۸؛ آقا جمال خوانساری، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۷، ص ۲۶۷.

^{۱۲} ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۵۳.

^{۱۳} ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۵، ص ۶۹۲ و ۶۹۳.

^{۱۴} مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۸؛ رضایی اصفهانی، پرسش‌های قرآنی جوانان، ج ۵، ص ۱۸.

و در جایی دیگر می فرمایند: «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا قَارَنَهُ الْعَمَلُ؛ بهترین دانش آن است که با عمل همراه باشد»^{۱۶} همانگونه که ذکر شد، «علم» و «عالم» در فرهنگ اسلامی ارزش فراوانی دارد، به گونه‌ای که در روایات از علم به «سرچشمه فضائل»، «بهترین میراث»، «چراغ عقل»، «گم‌شده مؤمن»، «بهترین گنج»، «بهترین دلیل»، «برترین هدایت»، «زیبایی آشکار»، «بهترین انیس»، «بالاترین شرف» و مانند آن یاد شده است؛ همان گونه که از «دانشمند» و «عالم» به «وارث پیامبران»، «چراغ‌های روی زمین»، «جانشینان انبیاء»^{۱۷} و مانند آن تعبیر شده است.

روشن است که تمام این فضائل و ارزش‌ها برای علمی است که عملی گردد و عالمی را شامل می‌گردد که به علمش عمل کند و گرنه چنین علمی نه تنها مایه هدایت نخواهد بود و چراغی فراسوی دیگران نمی‌شود؛ بلکه حتی خود آن عالم را نیز هدایت نمی‌کند.

در روایت تکان‌دهنده‌ای از وجود مبارک رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است:

مَنْ أَزْدَادَ عِلْمًا وَ لَمْ يَزِدْهُ هُدًى، لَمْ يَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا^{۱۸}

عالمی که هر روز بر علم و دانش خود می‌افزاید، ولی (بر اثر عمل نکردن به علم و دانش خویش) چیزی بر هدایتش افزوده نمی‌شود، دوری‌اش از خداوند زیادتر می‌شود!

نکته قابل تأمل این که آن حضرت صلی الله علیه و آله نمی‌فرماید: عالم بی‌عمل، متوقف می‌شود و در جا می‌زند؛ بلکه می‌گوید چنین انسانی عقب‌گرد می‌کند! چون تا زمانی که نمی‌دانست و عذر مقبولی در ندانستن داشت، خداوند عذرش را می‌پذیرد؛ اما وقتی که دانست و آگاه شد و به علم خود عمل نکرد، عقب‌گرد شروع می‌شود.

نتیجه این که، باید هم به سراغ علم و دانش برویم و سختی‌ها و مشکلات تحصیل دانش را تحمل کنیم و هم به علم خود عمل کنیم و آن را وسیله هدایت خود و دیگران قرار دهیم تا مشمول روایت فوق و آیه مثل قرار نگیریم.^{۱۹}

تعریف عالم در سخن امام علی(ع):

امام علی(ع) در تعریفی، درباره عالم چنین می‌فرماید:

«الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ؛ عالم کسی است که قدر و منزلت خویش را بشناسد و در جهل انسان همین بس که قدر و منزلت خویش را نشناسد»^{۲۰}

شناخت خویش در سخن امام علی(ع) از چنان اهمیتی برخوردار است که آن حضرت می‌فرماید: «آن کسی که قدر خود را نشناسد هلاک می‌شود»؛ (هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ).

می‌دانیم یکی از عمیق‌ترین غرایز انسان، دوست داشتن خویشستن است و بسیار می‌شود که بر اثر آن انسان قدر و منزلت خود را گم می‌کند جنبه‌های مثبت خویش را بسیار بیش از آنچه هست می‌پندارد و حتی گاهی جنبه‌های منفی خود را مثبت می‌انگارد. به همین دلیل بر جای خود تکیه نمی‌کند، بلکه خود را در جایی قرار می‌دهد که شایسته آن نیست و در آنجا گاه سخنانی می‌گوید که دین و دنیای او را بر باد می‌دهد، آبروی او را می‌ریزد، سرچشمه مفاسدی در جامعه می‌شود که نتیجه همه آنها هلاکت معنوی و مادی است. مثلاً کسی چند صباحی آموزش علوم دین را دیده و هنوز به مقام اجتهاد

^{۱۶} آقا جمال خوانساری، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۷، ص ۲۶۸.

^{۱۷} لینی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۳۹.

^{۱۸} تعبیرهای سه‌گانه در میزان الحکمه، باب ۲۸۳۸ آمده است.

^{۱۹} ورام بن ابی فارس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۲۰.

^{۱۹} مکارم شیرازی، مثالهای زیبای قرآن (امثال القرآن)، ج ۲، ص ۲۷۳.

^{۲۰} نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

نرسیده خود را مجتهدی اعلم بدانند و به استنباط احکام بنشینند و احکامی را آمیخته با اشتباهات فراوان برای این و آن بازگو کند و عبادات و معاملات آنها را ضایع سازد، چنین شخصی که قدر خود را نشناخته به یقین مسئولیت سنگینی را در قیامت خواهد داشت. یا شخصی چند کتاب طبی را مطالعه کرده، ناگهان بر اثر خودبزرگ بینی خویش را طبیعی حاذق و لایق پندارد و دستورات طبی صادر کند که باعث خطر جانی برای گروهی شود، او به یقین دنیا و آخرت خود را تباه ساخته است.^{۲۱} شاهد این تفسیر، جمله معروفی است که در افواه دانشمندان شهرت یافته «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَلَمْ يَتَجَاوَزْ حَدَّهُ؛ خدا رحمت کند کسی را که قدر و منزلت خویش را بشناسد و از حدّ خود تجاوز نکند».

جایگاه عالمان:

حاکمان در قرآن کریم و سخن اهل بیت(ع) از جایگاه ویژه ای برخوردارند به عنوان مثال خداوند در قرآن در این باره می فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟»^{۲۲} امام علی(ع) نیز به پیروی از قرآن کریم در توصیف جایگاه عالمان چنین می فرماید: «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ؛ علماء حاکمان مردم در جامعه هستند»^{۲۳} و آن حضرت در فضیلت همنشینی با علما نیز می فرماید: «مَنْ جَالَسَ الْعُلَمَاءَ وَفَرَّ وَ مَنْ خَالَطَ الْأَثَدَالَ حُقِرَ؛ کسی که با علماء همنشین باشد عظمت و وقار می یابد و کسی که با فرمایگان همنشین گردد پست و کوچک می گردد»^{۲۴}

نتیجه گیری:

بحث علم و علم آموزی در دین مبین اسلام از اهمیت بسیار والایی برخوردار می باشد به طوری که در قرآن کریم آیات فراوانی به این مهم پرداخته و اهل بیت(ع) نیز به پیروی از سخنان خداوند در ضمن سخنان خود به توصیف علم و جایگاه علم آموزی و عالمان پرداخته اند که از باب نمونه می توان به سخنان امام علی(ع) در کتاب شریف نهج البلاغه اشاره نمود از این رو در این مقاله سعی شد تا با بررسی بخشی از مباحث نهج البلاغه به جایگاه علم و علم آموزی پرداخته شود و مهم ترین این مباحث به شرح ذیل می باشد: تعریف علم و عالم، اهمیت علم از دیدگاه امام علی(ع)، اقسام علم، بهترین علم و دانش از منظر امام علی(ع)، تعریف عالم در نهج البلاغه و بیان جایگاه عالمان در نهج البلاغه.

منابع

قرآن کریم.

شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، قم: هجرت، اول: ۱۴۱۴ ق.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبّه الله. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، اول: ۱۴۰۴ ق.

ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

ابوعلی ابن سینا، حسین بن عبدالله، شرح الإشارات و التنبیها، قم: مطبوعات دینی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

^{۲۱} <http://ahlolbait.ir> تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۲/۱۰ (ترجمه و شرح حکمت ۱۴۹ نهج البلاغه)

^{۲۲} زمر/ ۹.

^{۲۳} ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۰۴.

^{۲۴} دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۸۴.

آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، چهارم: ۱۳۶۶ ش.

بحرانی، کمال الدین میثم بن علی. شرح نهج البلاغه ابن میثم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵. بهرامیان، مسعود و محمود ویسی و بخشعلی قنبری، «ویژگی های عالم از نگاه امام علی(ع)»، پژوهش نامه نهج البلاغه، شماره ۳۰، ۱۳۹۹، صفحات ۹۷-۱۱۱.

دیلمی، حسن بن محمد. أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول: ۱۴۰۸ ق. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، پرسش های قرآنی جوانان، جلد: ۵، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، قرآن و علم، جلد: ۱۸، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶ ه. ش. زهری، احسان. جایگاه علما در غیب کبری، تهران: الطیار، ۱۳۸۰. شکر، طاهره. «نقش علما در خرافه زدایی از جامعه»، پایان نامه مقطع ارشد، استاد راهنما: رضا سعادت نیا، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی اصفهان، ۱۳۹۵.

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش. غلامرضایی، مرضیه. «وظایف عالمان در مقابل حکومت در نهج البلاغه»، پایان نامه مقطع ارشد، استاد راهنما: محسن نورایی، دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۵.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق. لیتی واسطی، علی بن محمد. عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، اول: ۱۳۷۶ ش. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم: ۱۴۰۳ ق. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق. محسنی، محمدعاصف. وظیفه علمای دینی ما، بی نا، کابل-افغانستان، ۱۳۸۱.

مکارم شیرازی، ناصر، مثالهای زیبای قرآن (امثال القرآن)، ج ۲، ص ۲۷۳، قم: نسل جوان، ۱۳۸۲ ه. ش. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم علیه السلام. مصباح الشریعة، مترجم: حسن علامه مصطفوی، بیروت: اعلمی، اول: ۱۳۶۰.

ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی. مجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه، اول: ۱۴۱۰ ق.